

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

باموجودات نامحسوس آشنا شویم

درسهایی از اصول دین، شماره دو

درسهایی از اصول دین، شماره دوم / ۳

نام جزوه: با موجودات نامحسوس آشنا شویم

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۶ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

۴ / با موجودات نامحسوس آشنا شویم

فهرست مطالب

هنگامی که ساختمان زیبا، پرشکوه و منظمی می‌بینیم به آسانی درمی‌یابیم که مهندس و معمار و بنای آن هر یک در فنّ خود مهارت داشته است و از دیدن آن بنای با نظم به علم و اطلاع سازنده‌ی آن پی می‌بریم. همچنین مشاهده‌ی اتومبیل، هواپیما، مغز الکترونیک و دیگر صنایع منظم، بدون شک، ما را به مخترعان، مکتشفان و سازندگان مطلع و دانا رهنمون می‌شود و به علم و اطلاعاتشان واقف می‌شویم. هیچ‌گاه لازم نیست که سازنده‌ی ساختمان و یا مصنوعات دیگر را با چشم خود ببینیم تا به وجود آن‌ها اعتراف کنیم؛ تازه اگر هم آن‌ها را مشاهده کنیم؛

۶ / با موجودات نامحسوس آشنا شویم

باز علم و اطلاعاتشان را با هیچ‌یک از حواس ظاهری خود درک نمی‌توانیم کرد.

اما درعین حال به علم و اطلاع آنان معتقدیم؛ چرا؟ چون همان نظم‌ی که در مصنوعاتشان دیده می‌شود، ما را به علم و اطلاع سازندگانشان آگاه می‌سازد و از اینجا به این نتیجه می‌رسیم که هرگز لزومی ندارد هر چیزی که ما می‌خواهیم به وجود آن اعتراف کنیم از دیدنی‌ها و محسوسات باشد. بلکه چه بسیار حقایقی که با هیچ‌یک از حواس ظاهری ما درک نمی‌شوند ولی با دقت و توجه در اثرهای آنها به وجودشان آگاه می‌گردیم. چون هر خردمندی با کوچک‌ترین التفات و دقت درمی‌یابد که هیچ اثری بدون مؤثر و هیچ چیز با نظم‌ی بدون نظم‌دهنده‌ی

درسهایی از اصول دین، شماره دوم / ۷

باخرد و دانا نمی‌تواند بود. بنابراین می‌توانیم موجودات جهان را به دو دسته تقسیم کنیم:

۱ - چیزهایی با یکی از حواس پنج‌گانه درک می‌شود، با چشم دیدنی‌ها را می‌بینیم، با گوش صداها را می‌شنویم با بینی و زبان و پوست بدن از بوهای مطبوع و نامطبوع، مزه‌های تلخ و شیرین، سردی و گرمی و زبری و نرمی، آگاه می‌شویم.

۲ - حقایقی که با هیچ‌یک از حواس ظاهری ما درک نمی‌شود ولی از راه مطالعه در آثار آن‌ها، می‌توانیم به وجودشان پی ببریم گرچه همه آن حقایق نیز همه یکنواخت نیستند؛ برخی مادی و برخی غیر مادی یعنی مجرد از همه‌ی حدود و خواص ماده‌اند و اکنون اشاره به برخی از آن‌ها:

۸ / با موجودات نامحسوس آشنا شویم

* الکتریسیته: هرگز نمی‌توانیم با نگاه کردن به دو سیم که یکی از آن‌ها برق دارد، از جریان برق در آن یک، آگاه شویم و تنها از اثر - برق - مثلاً روشن شدن لامپ - می‌توانیم به وجود آن پس ببریم، پس الکتریسیته چیزی است که هست هرچند چشم ما نمی‌تواند آن را مستقیماً ببیند.

* نیروی جاذبه: اگر جزوه‌ی را که هم‌اکنون در دست دارید رها کنید؛ رو به زمین سقوط می‌کند یعنی زمین آن را به طرف خود می‌کشد، این نیرو چیست که ما آن را مستقیماً با حواس خود احساس نمی‌کنیم؟

درسهایی از اصول دین، شماره دوم / ۹

این نیروی جاذبه نیز از جمله چیزهای بسیاری است که دیدنی نیست اما از سقوط اجسام - که اثر آن است - به وجود آن اطمینان داریم.

* آهنربا: آهنربایی را که در کنار قطعه آهنی قرار می‌دهیم. به ظاهر چیزی جز آنچه می‌بینیم وجود ندارد، اما وقتی آهن به سوی آهنربا کشیده می‌شود درمی‌یابیم که در فضای پیرامون آهنربا خاصیت آهنربایی وجود دارد.

* اشعه نامرئی: اگر نور سپیده فام خورشید را به بلور سه پهلویی بتابانیم در آن سوی بلور، هفت رنگ خواهیم دید که عبارتند از: قرمز، نارنجی، زرد، سبز، آبی، نیلی و بنفش. این سوی قرمز و فراسوی بنفش، دیگر رنگی دیده نمی‌شود.

۱۰ / با موجودات نامحسوس آشنا شویم

در صورتی که دانشمندان دریافته‌اند که در آنجا که چشم، دیگر نوری نمی‌بیند باز هم نورهایی وجود دارد که دارای آثار حرارتی و شیمیایی هستند. این نورها را «مادون قرمز» و «ماوراء بنفش» می‌نامند.

در سال ۱۸۰۰ میلادی (۱۱۷۸ شمسی هجری) یکی از دانشمندان فیزیکدان و ستاره‌شناس به نام هرشل به فکر افتاد که تحقیق کند آیا نوری به جز آنچه چشم می‌بیند وجود دارد یا نه؟ گرماسنج را روی پرده‌ای که نورهای هفتگانه از بنفش تا قرمز در آن دیده می‌شد به تدریج جابجا کرد و در معرض رنگ‌های مختلف قرارداد

و اثر حرارتی هر یک از این رنگ‌ها را اندازه گرفت. چون به این سوی قرمز رسید، دریافت که

درسهایی از اصول دین، شماره دوم / ۱۱

گرماسنج، حرارت بیشتری را نشان می‌دهد و از آن پس مسلم شد که نوری نادیدنی به نام «مادون قرمز» - وجود دارد که حرارتی بیش از نورهای دیدنی ایجاد می‌کند و همین حرارت که اثر این نور است، بشر را به وجود نور مادون قرمز معتقد ساخت.

در همان زمان، دانشمند دیگری به نام ولاستون مقداری از ترکیب کلرور نقره را که یک ماده‌ی شیمیایی است؛ در ماوراء نور بنفش قرار داد و برخلاف انتظار خود دریافت: در آنجا که نوری به چشم نمی‌آید؛ عاملی وجود دارد که کلرور نقره را سیاه رنگ می‌کند.

۱۲ / با موجودات نامحسوس آشنا شویم

بعدها نیز دانشمندان دریافتند که تغییر رنگ پوست بدن در آفتاب، به خاطر تأثیر شیمیایی همین نور است.

بدین گونه، مسلم شد که فراتر از نور بنفش نور دیگری وجود دارد که دیده نمی‌شود و آن را «ماوراء بنفش» نامیدند.

* صداهای ناشنیدنی: بسیاری از صداهاست که ما نمی‌شنویم. این گونه صداها را اصوات ماوراء صوتی یا مادون صوتی می‌نامند که از آثار آنها به وجودشان پی می‌بریم و در پزشکی و صنعت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

* ادراک: همه‌ی ما از خود، آگاهیم یعنی درک می‌کنیم که هستیم و نیز یک سلسله ادراکات متوالی و

درسهایی از اصول دین، شماره دوم / ۱۳

پی‌درپی نسبت به موضوعات خارج از خویش داریم
که از آن‌ها با این قبیل جمله‌ها تعبیر می‌کند.

- مشکل‌ترین مسأله‌ی ریاضی را حل کردم.

- درباره فلان تئوری بسیار اندیشیدم تا دریافتم

درست است.

و نیز، انسان نسبت به دانستنی‌های خود، آگاه
است یعنی می‌داند که می‌داند. ادراک، چیزی دیدنی و
شنیدنی نیست تا انسان بتواند آن را با چشم ببیند یا با
گوش بشنود بلکه حقیقتی نامحسوس است که هر
انسانی آن را علاوه بر نیروی بینایی و شنوایی و سایر
قوای ظاهری در وجود خویش می‌یابد و دیگران
نمی‌توانند از راه حواس ظاهری آن را درک کنند بلکه
باید به وسیله‌ی آثار، از وجود آن باخبر شوند مثلاً

دانشمندی که راه حل یکی از مسائل علمی را توضیح می‌دهد، معلوم می‌شود که آن را درک کرده است و نیز موقعی که از دانشمندی می‌پرسیم شما به مسائل ریاضی آشنا هستید یا نه؟ او می‌گوید: بی اطلاع نیستیم می‌فهمیم که وی به ادراکات و دانستنی‌های خودآگاه است یعنی: می‌داند که مسائل ریاضی را می‌داند.

* ترسیم ذهنی: بشر می‌تواند در ذهن خود هر شکلی که می‌خواهد، بسازد مثلاً برجی مانند برج ایفل را که ساختن آن در جهان خارج به سال‌ها وقت و هزار گونه مصالح و مواد و صدها کارگر نیاز دارد؛ در عالم ذهن می‌توان در لحظه‌ای بنا کرد بلکه هزاران برابر آن را بدون هیچ زحمتی می‌توان ساخت و نیز

درسهایی از اصول دین، شماره دوم / ۱۵

ممکن است در ذهن چیزهایی را تصور کرد که اصلاً در خارج وجود ندارد چنانکه در ذهن خود هیولایی می‌توانیم بسازیم که دارای سرها و دست و پاهای زیادی باشد پیداست که دیگران قادر نیستند مستقیماً از ساخته‌های ذهنی ما با خبر شوند، زیرا دیدنی و شنیدنی نیست بلکه باید از آثار، پی به وجود آن ببرند یا از طریق گفتار خود ما.

* حب و بغض و تصمیم: هرکسی از چیزهایی خوشش می‌آید و در مقابل، از چیزهای دیگر بیزار است. و نیز پیوسته در زندگی نیازمند به تصمیم است. هر کاری را که دوست دارد، تصمیم می‌گیرد آن را انجام دهد و هر کاری را که دوست ندارد از آن

۱۶ / با موجودات نامحسوس آشنا شویم

صرف نظر می‌کند و تصمیم می‌گیرد پیرامون آن نگردد.

هیچ‌کس نمی‌تواند مستقیماً از تصمیم دیگری و از اینکه چه چیز را دوست دارد و از چه بدش می‌آید با خبر شود مگر از راه آثار و عکس‌العمل‌ها، زیرا حب و بغض و تصمیم، شنیدنی، و دیدنی و احساس شدنی نیست تا با حواس ظاهری احساس گردد.

* حیات: جوجه‌ی زیبایی پیش روی ما، در حوض می‌افتد و پیش از آنکه بتوانیم نجاتش دهیم، می‌میرد. در سازمان حیاتی این حیوان در همان لحظه چه تغییری رخ داده و در وضع فعلی او با یک لحظه پیش که زنده بود چه تفاوتی به هم رسیده است که دیگر نمی‌جنبد، بازی نمی‌کند، غذا نمی‌خورد؟

درسهایی از اصول دین، شماره دوم / ۱۷

ناچار باید گفت: چیزی در حیوان زنده هست و در مرده نیست که همان حیات است. این حیات محسوس نیست و ما تنها آثار آن را که حرکت، تغذیه و... باشد درک می‌کنیم و از راه همین آثار به وجود آن پی می‌بریم.

حقایق علمی و مسلم بالا به خوبی روشن می‌سازد که علاوه بر موجوداتی که ما آن‌ها را با اندام‌های حسی درک می‌کنیم، موجوداتی هم هستند که مستقیماً احساس نمی‌شوند بلکه فقط از راه آثار، آن‌ها را می‌شناسیم.

بدین ترتیب نتیجه می‌گیریم که صحیح نیست چیزی را که نمی‌بینیم تنها به علت اینکه دیده نمی‌شود انکار کنیم، زیرا دیده نشدن غیر از وجود

نداشتن است و راه پی بردن به وجود چیزی منحصر به چشم و یا سایر حواس ظاهری نیست بلکه عقل هم می‌تواند از راه اثر به وجود چیزی پی ببرد چنانکه وجود حقایق علمی ذکر شده - که از راه آثار شناخته می‌شوند - پیش هیچ‌کس قابل تردید یا انکار نیست.

نمی‌خواهیم بگوییم خدا مانند این حقایق است زیرا خدا حقیقتی است فوق این‌ها که هیچ‌چیز با او هم‌تا و همانند نیست بلکه منظور ما این است که همان‌طوری که در این چیزها از راه آثار پی به وجودشان می‌بریم؛ در مورد خدا نیز، از راه آثار پی به وجود او می‌بریم.

پس آنان که، تنها با چشم سر، می‌نگرند و وجود خدا را چون با همین چشم نمی‌توانند دید

درسهایی از اصول دین، شماره دوم / ۱۹

انکار می‌کنند چشم خرد و اندیشه ایشان نابیناست،
چرا که دانستیم، به حکم خرد، از راه نظام دقیق
خلقت که از آثار خداست می‌توان به وجود او
پی برد.

اما تو؛

«چشم دل باز کن که جان بینی»

و آنچه نادیدنی است آن بینی!»

زیرا در هر موجود، نشانه‌ای از خدا هست.

نکته‌ی دقیق‌تر و مطلب مهم‌تر آنکه مطالعه در
آثار قدرت پروردگار - یعنی جهان و جهانیان علاوه
بر اینکه ما را به وجود وی رهنمون می‌شود از این
حقیقت نیز آگاه می‌سازد که: چون همه‌ی جهان و
جهانیان آثار اوست و اثر وی اختصاص به یک مورد

۲۰ / با موجودات نامحسوس آشنا شویم

و مکان مخصوص ندارد و همه پدیده‌ها هرکدام نشانی از وی دارند؛ پس خود او حقیقت دیگری است که هیچ‌یک از موجودات جهان همتا و همانند او نیستند بلکه وجود نامحدودی است که دارنده‌ی همه‌ی کمالات و منزّه از همه‌ی نقایص است.

بنابراین، از مطالعه در آثار الهی به دو چیز

پی می‌بریم:

۱ - به وجود آفریدگار جهان، که همه اثرهای

اویند.

۲ - چون آثارش نامحدود است و مختص به

یکجا و یک زمان نیست؛ می‌فهمیم که او وجودی

است نامحدود و دارنده‌ی همه‌ی کمالات گرچه

نمی‌توانیم حقیقت او را درک کنیم.

درسهایی از اصول دین، شماره دوم / ۲۱

محمد بن عبدالله خراسانی خادم امام هشتم علیه السلام

می گوید: گروهی نزد حضرت امام رضا علیه السلام نشسته بودند که یکی از منکران خدا وارد شد...

امام علیه السلام به او فرمود:

اگر آن طور که شما می گوید خدایی، پیامبری، حساب و کتابی در کار نباشد (که هست) آیا نماز و روزه و زکوة و ایمان ما برای ما زیانی خواهد داشت؟ آن مرد جوابی نداد (یعنی که نه).

حضرت فرمود: اما اگر آن طور که ما می گوئیم خدایی باشد، دینی باشد، و معاد و روز جزائی باشد (که حتماً هست) آیا بدبختی و هلاکت نصیب شما نشده است؟

۲۲ / با موجودات نامحسوس آشنا شویم

(بدیهی است که به حکم عقل هرکس حتی اگر احتمال بدهد که ماوراء این جهان، جهان دیگر وجود دارد، باید به دستورهای دینی عمل کند تا به بدبختی و هلاکت دچار نگردد).

آن مرد پرسید:

خدایی که شما به آن معتقدید چگونه و

کجاست؟

امام علیه السلام فرمود: پرسش تو اشتباه است.

خدا بی آنکه خود، دارای مکان باشد؛ مکان را

آفرید و بدون این که خود، چگونگی داشته باشید؛

چگونگی و کیفیت را آفرید؛ پس نمی‌توان او را از

این راه‌ها شناخت. خدا با هیچ‌یک از حواس درک

نمی‌شود

درسهایی از اصول دین، شماره دوم / ۲۳

و با چیزی قابل مقایسه نیست آن مرد گفت: اگر
با هیچ کدام از حواس درک نمی‌شود، پس چیزی
نیست!

امام (علیه‌السلام) فرمود: وای بر تو (چقدر
فکرت کوتاه است که) چون حواس تو از درک او
ناتوان است، پروردگاری او را انکار می‌کنی ولی ما از
همین که خود را از درک وی عاجز و ناتوان می‌بینیم
یقین می‌کنیم که تنها او پروردگار ماست و نه
هیچ چیز دیگر.

گفت بگوئید: خدا در چه زمانی بوده است؟

امام فرمود: تو بگو که خدا در چه زمانی نبوده
است تا من بگویم در چه زمان بوده است (یعنی خدا
قبل از زمان بوده و زمان را او آفریده است).

گفت: دلیل اثبات وجود خدا چیست؟

حضرت فرمود: هنگامی که من درباره‌ی بدن خود فکر می‌کنم، می‌بینم نمی‌توانم به طول و عرض آن چیزی بیفزایم یا از آن کم کنم همچنین نمی‌توانم در خوشی و ناخوشی به میل خود باشم (بلکه گاهی هر چه سعی می‌کنم که از یک بیماری مثلاً بهبودی حاصل کنم ممکن نمی‌شود) به همین دلیل و نیز از دیدن نظام خورشید و ستارگان و زمین و آسمان و نظام کلی جهان می‌فهمم که بدن من و این جهان خلقت، آفریدگار و پروردگاری (عالم و توانا) دارد.^۱